نفی ذات از صفات در تعبیر «کَمَالُ الإِخلَاصِ لَهُ نفَیُ الصّفَاتِ عَنهُ»

علی أیّ حال، این از بحث‌هایی بود که مفصل از آن صحبت شد. به گمانم در یک کلمه، آنچه که حرف نهایی هست، همان جمله‌ای است که خود حضرت علیه السلام در نهایت کار فرمودند. اول نهج‌البلاغه در خطبه‌ی شریف فرمودند:

> «أَوّلُ الدّینِ مَعرِفَتُهُ وَ کَمَالُ مَعرِفَتِهِ التّصدِیقُ بِهِ وَ کَمَالُ التّصدِیقِ بِهِ تَوحِیدُهُ وَ کَمَالُ تَوحِیدِهِ الإِخلَاصُ لَهُ وَ کَمَالُ الإِخلَاصِ لَهُ نفَیُ الصّفَاتِ عَنهُ لِشَهَادَةِ کُلّ صِفَةٍ أَنّهَا غَیرُ الموصُوفِ وَ شَهَادَةِ کُلّ مَوصُوفٍ أَنّهُ غَیرُ الصّفَةِ»[1].

«أَوّلُ الدّینِ مَعرِفَتُهُ وَ کَمَالُ مَعرِفَتِهِ التّصدِیقُ بِهِ»؛ این کمال به چه معنا است؟ یعنی معرفت مراتب دارد. «اول الدین معرفته»؛ معرفت شروع به کامل شدن می‌کند. می‌رود و می‌رود تا اوج بگیرد. «کمال معرفته التصدیق به»؛ دوباره وقتی تصدیق آمد، خود تصدیق تشکیکی و ذومراتب است.

«وَ کَمَالُ التّصدِیقِ بِهِ تَوحِیدُهُ»؛ توحید درجه‌ی بالایی است **«وَ کَمَالُ تَوحِیدِهِ الإِخلَاصُ لَهُ»؛** وقتی توحید کامل می‌شود، تازه مرتبه‌ی اول اخلاص شروع می‌شود. بعد در اخلاصی که این مراتب را دارد، می‌فرمایند: **«وَ کَمَالُ الإِخلَاصِ لَهُ»؛** این مطلب خیلی مهمی است. اخلاص کامل می‌شود و به بالاترین درجه می‌رسد و می‌شود **«نفَیُ الصّفَاتِ عَنهُ»؛** اگر منظور از این نفی صفات، صرفاً نفی صفات نقصی باشد ای صفات زائده باشد که این ترتیبات را نمی‌خواهد. از این «کمال الاخلاص له نفی الصفات» معلوم می‌شود که حضرت علیه السلام، در مورد اوج‌اوج کلاس و معارف خودشان می‌گویند در دستگاه ما «نفی الصفات» است. بعد از آن هم چیزی نمی‌گویند.

همیشه استنتاج بنده این بود. لذا «نفی الصفات» ظاهری دارد که می‌توان آن را شش-هفت جور معنا کنیم. ولی این عبارت حضرت علیه السلام می‌گوید که در کلاس ما اهل البیت علیهم‌السلام، این «نفی الصفات» رأس هرم دستگاه معرفتی است. یک چیز مهمی در دلش دارد. هر کسی آنجا فهمیده است، فبها. اما اگر نفهمیده است، معانی دیگر هم خوب است، او را اقناع می‌کند.

شاگرد: یعنی می‌خواهید، بفرمایید اینکه می‌گوییم عالم نیست، به این معنا است که جاهل نیست؟

استاد: خیر؛ اینکه اولین کلاس است. حتی کلاس «لیس بجاهل» از عینیت صفات و ذات پایینتر است. ردهبندیای بوده که جلوتر اینها را عرض کردم.

شاگرد ۲: نظر شریفتان در مورد کتاب روضهی کافی چیست؟

استاد: بنده که چیزی نیستم تا عرض کنم. تقریباً در ذهن بنده اطمینان هست که این مناقشات در مورد روضهی کافی جا ندارد.

خُب، حالا دنبالهی عبارت را بخوانیم. حضرت علیه السلام فرمودند: «إن قيل كان فعلى تأويل أزليّة الوجود».

---

[1]. نهج البلاغه (بر اساس نسخهی صبحي صالح)، ج 1، ص ۳۹.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:38:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 13:46:55 توسط ... .